

اخبار نمایش

در تالار مشاهیر تئاتر شهر فصلنامه «نمایش شناخت» رونمایی می‌شود

نخستین شماره از فصلنامه نمایش شناخت به صاحب‌امتیازی، مدیرمسئولی و سردبیری نظر احمدی و مشاوره علمی دکتر فرهادناظر زاده کرمانی، دکتر حسین اسماعیلی دکتر سعید فرهودی ودکتر امیر کاوس بالا‌زاده به انتشار رسید. به گزارش تئاتر این مجله که یکی از معدود نشریات غیردولتی تئاتر کشور است با رویکردی تخصصی به تئاتر و مسائل پیرامون آن می‌پردازد. در نخستین شماره نمایش شناخت آثار و گفتاری از پژوهشگران و اساتید ایرانی فعال در تئاتر داخل و خارج کشور هم چون دکتر هلن اولیایی نیا، دکتر فرشته وزیری نسب، منصور خلیج، صدرالدین زاهد، دکتر مازیار اولیایی، رضاسرور و... به چشم می‌خورد. این شماره هم‌چنین حاوی دو پرونده ویژه درباره تئاتر سیاسی و تئاتر در مهاجرت است و در بخش مربوط به تئاتر سیاسی شاهد نخستین مصاحبه دکتر سعید فرهودی با یک نشریه فارسی زبان هستیم. از دیگر مطالب در خور توجه این نشریه می‌توان به درج بخش‌هایی از جلد دوم کتاب تاریخ اجتماعی-سیاسی تئاتر ایران نوشته زنده یادمجیدفلاح‌زاده‌شاره نمود که پس از بیست سال از چاپ نخستین جلد این اثر ماندگار علمی و پژوهشی به انتشار رسیده است؛ هم‌چنین در این شماره به گفت‌وگوهایی اختصاصی با دکتر فرهادناظرزاده کرمانی ودکتر حسین اسماعیلی پیرامون مسائل تئاتر ایران انجام گرفته است. در مجموع فصلنامه نمایش شناخت با رویکردی پژوهشی سعی نموده تا به مسائل مهم ودر عین حال مغفول تئاتر ایران توجه بیشتری داشته باشد. آیین رونمایی از نخستین شماره فصلنامه نمایش شناخت روز پنج‌شنبه بیست و دوم آذرماه ساعت ۱۷ الی ۱۹ در سالن مشاهیر مجموعه تئاتر شهر واقع در چهارراه ولیعصر (عج) برگزار خواهد شد. در مراسم یاد شده اساتیدبرجسته تئاتر از جمله آقایان فرهادناظرزاده کرمانی،حسین اسماعیلی مسعوددلخواه،جمشید ملک پور و صدرالدین زاهد، یارادسخنرانی خواهند پرداخت. لازم به ذکر است شرکت در این مراسم برای عموم علاقمندان آزاداست.

■ ■ ■

با هدف برگزاری بهتر جشنواره تئاتر مناطق صورت گرفت:

فراخوان انجمن‌های تئاتر سراسر کشور



دبیر خانه بیست‌ودومین جشنواره تئاتر دانشگاهی ایران با انتشار اطلاعیه‌ای از کانون‌ها و انجمن‌های تئاتر دانشگاهی سراسر کشور خواست تا نیازمندی‌ها خود را برای برگزاری هرچه بهتر جشنواره تئاتر مناطق اعلام کنند. در متن این اطلاعیه آمده است: «دبیرخانه بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران در راستای حمایت از کانون‌ها و انجمن‌های علمی تئاتر دانشگاه‌های سراسر کشور، در نظر دارد با شناسایی نیازها و ضرورت‌های فعالیت شایسته این تشکل‌ها در حوزه‌های آموزشی، پژوهشی و اجرایی؛ موارد اعلامی و پیشنهادات مورد نظر را اولاً در جشنواره مناطق اعمال کرده و ثانیاً حتی‌الامکان به شکل مستقیم با شهرستان‌های مورد نظر وارد تعامل شده و نیازهای اعلام‌شده را مرتفع نماید. لذا از تمامی دبیران محترم کانون‌ها و انجمن‌های علمی فعال در عرصه هنرهای نمایشی سراسر کشور تقاضای شود در خواست‌ها و پیشنهادات خود را تا تاریخ ۱۵ دی‌ماه از طریق مکتبه با ایمیل manategh@iuttf.ir به دبیرخانه تئاتر دانشگاهی ارسال نمایند.» بیست‌ودومین جشنواره بین‌المللی تئاتر دانشگاهی ایران به دبیری امین مختاری پنجم تا چهاردهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۸ به‌همت‌اداره کل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در بخش‌های مختلف الف: مناطق «تئاتر صحنه» وب: سراسری و بین‌المللی «تئاتر صحنه»، «تجربه‌های اجرا»، «حمایشنامه نویسی (جایزه استاد اکبررادری) «پژوهش (جایزه دکتر فرهادناظرزاده کرمانی)» «ترجمه نمایشنامه»، «عکس، پوستر و تیزر»، «غیر رقابتی»، «کارگاه‌ها و درس‌گفتارها»، «مدرس‌ان» «جشنواره جشنواره‌ها» و «پایان‌نامه‌های برگزیده» ویژه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برگزار خواهد شد. بخش تئاتر صحنه مناطق نیز نیمه اول اسفند ماه سال ۱۳۹۷ میزبان هنرمندان فعال عرصه تئاتر دانشگاهی خواهد بود.

مده‌آی سن مدار؛ رویاهای زنانه نادیده گرفته می‌شوند

بازی در صحنه بازیگری روزگار

آنی – مده‌آ، زنی است که از روزگار دبیرستان و پس از فارغ التحصیلی، آرزو داشت و تلاش می‌کرد باز یگر تئاتر شود. او دختر با استعدادی بود که توانسته بود هنرش را در نمایش‌های دبیرستانی نشان دهد. او مدتی هم در کلاس‌های بازیگری شرکت کرده بود. اما آنی، یک دختر و تنها فرزند خانواده بود. و این یعنی محکوم به دو چیز بود: اول: حفظ ثروت خانواده و دوم: ازدواج برای حفظ ثروت خانواده.



و چه موجودی در روی زمین، ناگزیرتر از «زن» است که به واسطه فیزیولوژی که خود آن را انتخاب نکرده است، ناچار است تابع شرایط و قوانینی باشد که از بیرون برای او وضع و بر او القا می‌شود؟

آنی– مده‌آ، زنی است که از روزگار دبیرستان و پس از فارغ التحصیلی آرزو داشت و تلاش می‌کرد بازیگر تئاتر شود. او دختر با استعدادی بود که توانسته بود هنرش را در نمایش‌های دبیرستانی نشان دهد. او مدتی هم در کلاس‌های بازیگری شرکت کرده بود. اما آنی، یک دختر و تنها فرزند خانواده بود، و این یعنی آنی محکوم به دو چیز بود؛ اول: حفظ ثروت خانواده و دوم: ازدواج برای حفظ ثروت خانواده. چون خانواده این گمان و تصور عام را داشت که او به‌عنوان یک دختر ناتوان از حفظ و به کار انداختن و گسترش این ثروت است و باید حتماً در کنار او مردی باشد که بتواند این دم و دستگاه را بچرخاند و نگذارد ثروت خانواده بر باد رود. پس آنی، تا دبیرستان را تمام کرد، به اجبار و انتخاب والدینش به با مردی ازدواج کرد که هیچ علاقه‌ای به او نداشت، و البته آن مرد نیز علاقه‌ای به او نداشت و فقط به

دنبال ثروت آنی بود. اما آنی، به‌عنوان یک زن، خود نیز با باورهای جامعه در باره زن، کنار آمده و آن را پذیرفته بود. او هیچ تصویری از‌طور دیگری بودن و به گونه‌ای دیگری رفتار کردن نداشت. پس آنی، اداره ثروت خانواده را که شامل هتل و رستوران و تاکستان بود، به شوهر سپرد، خودش پیشبند یک کدبانو را بست و به رتق و فتق امور خانواده پرداخت؛ کاری که بیست سال، با وسواس و عشق و علاقه به آن مشغول شد و بچه‌ها را بزرگ کرد و دست به سینه در خدمت شوهر ماند بی‌آن‌که یک دم، آرزوی خودش را که بازیگری بود، از یاد ببرد. او هر روز با این خواب‌می‌رفت. آنی حتی تلاش می‌کرد برنامه‌ای برای اجرای نمایش در مدرسه فرزندانش بگذارد چون معتقد است هنر و آموزش آن برای دانش آموزان (بجستانی)، به آنسی خیانت می‌کند و رابطه‌ای پنهانی با زنی دیگر دارد. زنی که هر روز با او در هتلی که به آنی تعلق دارد، ملاقات می‌کند. شوهر آن زن هم که متوجه خیانت همسر خود شده است، با گرفتن یک وکیل رد پای این خیانت را می‌گیرد و به خانه آنی می‌رسد. او ناگهان از پنجره

آنی درمی‌یابد که این همه سال، برای خود نزیسته است و از روی فرصت‌هایی که به خودش تعلق داشته، پریده و آن‌ها را رها کرده است. اما خیانت دومینیک و نیز بر نامه نمایش مدرسه دو فرزندش، او را از این کابوس بیست ساله، بیدار می‌کند

که آنی را در دل ماجرای خودش قرار می‌دهد؛ ماجرای که در طی آن، باید از پوسته بیست ساله‌ای که در آن فرو رفته است بیرون بیاید و آن پیشبند کدبانوگری را در بیاورد.

دومینیک (با بازی مهدی بجستانی)، به آنسی خیانت می‌کند و رابطه‌ای پنهانی با زنی دیگر دارد. زنی که هر روز با او در هتلی که به آنی تعلق دارد، ملاقات می‌کند. شوهر آن زن هم که متوجه خیانت همسر خود شده است، با گرفتن یک وکیل رد پای این خیانت را می‌گیرد و به خانه آنی می‌رسد. او ناگهان از پنجره

وارد می‌شود، و آنی را از واقع‌های که بین شوهر او و زن مرد در جریان است خبردار می‌کند. اما بر خلاف انتظار ما، آنسی عکس‌العمل خاصی نشان نمی‌دهد. آنی، از خیانت شوهرش شگفت زده و حتی ناراحت نمی‌شود! اما حضور این‌سن مرد در خانه آنی، او را به دوران جوانی‌اش و به آرزوی بازیگری‌اش می‌برد. فلیکس (با بازی احمد ساعتچی‌ان)، مرد خیانت‌دیده‌ای است که این گونه وارد زندگی آنی می‌شود و برای آنی تداعی‌گر استاد بازیگری است که در جوانی داشته...

چهره‌وباهایی که می‌آیندا

آنسی و فلیکس، زمان ملاقات همدیگر را با زمان ملاقات شوهر و زن خیانتکار، هماهنگ می‌کنند و در این فرصت، نمایش آنتیگونه را، که زمانی آنی آن را با استاد خود تمرین می‌کرد بازآفرینی می‌کنند. آن شور و هیجانی که آنی، در گوشه و پستوهای ذهنش پنهان کرده، بیدار می‌شوند و آنی جانی دوباره می‌گیرد. چنان جانی که در نهایت تصمیم می‌گیرد در عبور از دهه سوم زندگی‌اش؛ حالا که بچه‌ها بزرگ شده‌اند، و هتل و رستوران و تاکستان طبق روال عادی خود توسط شوهرش گردانده می‌شوند، برود دنبال آن رویای گمشده. با این‌که فلیکس فقط و فقط در رویای آنی حضور دارد و آنی، در فرصت‌های تنهایی‌اش در خانه، با رویای فلیکس آنتیگونه را تمرین می‌کند؛ شوهر خیانت‌پیشه، به رفتارهای عجیب‌آنی مشکوک می‌شود و احساس می‌کند آنی به او خیانت می‌کند. و البته از چھتی احساس خیانت در این‌جا، درست معنایی دهد: آنی، به‌عنوان یک زن، دیگر فقط و فقط به خانواده فکر نمی‌کند. او فقط در خدمت فرزندان و شوهر خود نیست. این روزها خواستش جای دیگری است که نباید باشد. در نهایت راز آنی افشا می‌شود. دومینیک، مچ آنی را در لباس آنتیگونه می‌گیرد و این آغاز جداسری است!

بازگشت به آینده!

آنی درمی‌یابد که این همه سال برای خود نزیسته است. زندگی‌اش در جایی متوقف شده و او از روی فرصت‌هایی که به خودش تعلق داشته، پریده و آن‌ها را رها کرده است. اما خیانت دومینیک و نیز بر نامه نمایش مدرسه دو فرزندش، او را از این کابوس بیست ساله، بیدار می‌کند. آنی می‌خواهد، با تمام وجود می‌خواهد که به رویای خود بازگردد و آن را عملی کند. او می‌خواهد پی بازیگری را بگیرد.

اما بر خورد دومینیک، چنان خصمانه است که آنی ناچار می‌شود

مده‌آ – آنی، ترجیح می‌دهد داشته‌هایش را در برابر جهانی که به او خیانت می‌کند، قربانی کند تا به آن چه آرزوی داشتش را دارد برسد. آن چه او می‌خواهد داشته باشد، چیزهایی هستند که مده‌آ آنی را منحصر به فرد و به انسان بودنش و نه یک جنس از گونه‌اش، نزدیک تر می‌کند

در برابر او ایستد. در برابر مردی که برای آزادی خود، برای هر طوروبودن خودش قرار نیست هیچ هزینه‌ای بپردازد، اما آنی به‌عنوان یک زن، باید برای آزادی و تحقق رویاهایش در بستر استعداد‌های ذاتی‌اش، متحمل هزینه شود؛ شاید شوهرش و حتی فرزندانش او را نخواهند و طردش کنند؛ چرا که می‌خواهد خودش باشد: ۱۸ سال برای پدر و مادر م زندگی کردم، ۲۰ سال برای شوهر و بچه‌ها م. از این به بعد می‌خوام برای خودم زندگی کنم.

آن چه آنی می‌آموزد

آنی، در تقابل با والدین و در نهایت همسرش می‌آموزد که نباید به همه شرایطی که دیگران در زندگی برای او تعیین می‌کنند تن بدهد و عادت کند. در این مورد، در مورد تن دادن به شرایط و عادت‌ها، مردوزن نداریم. اصلاً این تصور را به ذهن خود راه ندهید که «مده‌آی سن مدار» یک اثر فمینیستی است؛ ما با نمایشی مواجهیم که دغدغه‌ای جهانشمول دارد. هم‌چنان که دومینیک هم در اوج عصبانیتش اعتراف می‌کند که او هم روزگاری آرزو داشته قضاوردد.

حالا، آنی باید برود. هم‌چنان که مده‌آ – آنسی، در برابر جهانی که به او خیانت می‌کند، ترجیح می‌دهد داشته‌هایش را قربانی کند تا به آن چه آرزوی داشتشش را دارد برسد. داشته‌هایش، آن چیزهایی هستند که جامعه و سنت‌ها و عرف‌هایش به او داده‌اند، اما آن چه او می‌خواهد داشته باشد، چیزهایی هستند که مده‌آ – آنی را منحصر به فرد و به انسان بودنش و نه یک جنس از گونه‌اش، نزدیک‌تر می‌کند.

آنی، مده‌آیی است که در نهایت پشیم‌زریین – ثروت و میراثش را – به جیسون – دومینیک حریص – وا می‌گذارد و به دنبال هویت راستین خود می‌رود.



پایانی و زوال یک پادشاه است؛ مجید اقبالی الهه فریدزاده، یاسمین بنیادی، علی علیایی محسن بخشی و سمیه خواجه‌وند هستند. دیگر عوامل نمایش «پادشاه می‌میرد» عبارتند از: تهیه‌کننده: سحر کربلای غلامی دستیار کارگردان: هادی تدین، طراح دکور: محمد فاتحی، طراح پوستر: مهدی فاحی و روابط عمومی: وحید اسدزاده.

علاقemندان می‌توانند بلیت این نمایش را از سایت تیکت تهیه کنند.

تمرینات این نمایش ۶ ماه به صورت مدون به طول انجامید و در این میان بازیگرانی به گروه اضافه شدند و برخی به دلایلی گروه را ترک کردند.

گفتنی است نمایش «پادشاه می‌میرد» اثر اوژن یونسکو با ترجمه سحر غلامی و محمد فاتحی و کارگردانی محمد فاتحی از ۱۴ آذرماه ساعت ۲۱ در سالن اصلی تماشاخانه دیوار چهارم روی صحنه است و بازیگران این اثر نمایشی که روایتگر دقایق

و مدرن اثر، فضایی انتزاعی را ایجاد کرد م. صحنه شیب‌داری را در نظر گرفتیم که نشان از سقوط و تزلزل دارد و صحنه‌ای متعادل را که هنوز ویران نشده و شاید در آستانه ویرانی قرار دارد. طراحی صحنه این نمایش مفهومی است که در قالب اثر معنی پیدا می‌کند.

او در خصوص موسیقی نمایش «پادشاه می‌میرد» نیز گفت: موسیقی‌های نمایش انتخابی است و ابتدا سعی‌مان بر این بود تا از موسیقی آشنای ایرانی در این نمایش استفاده شود چرا که در پیشینه تاریخی کشور ما نیز این شخصیت‌ها دیده می‌شدند اما به دلایلی این امر میسر نشد و تلاش کردیم موسیقی خصوصاً در بخش اول شکل و شمایل ایرانی داشته باشد، براین اساس از موسیقی‌های آهنگسازی ایرانی با استفاده از عناصر ایرانی در اثرش استفاده کردیم. محمد فاتحی در پایان تصریح کرد:

فرمانش پیش نمی‌رود. جمعیت کشور او پیش از مرگ این پادشاه مهاجرت کردند و اندکی از آن‌ها در کشور ماندند که این موضوع نشان از ساعات پایانی عمر برانژه دارد.

ایسن کارگردان درباره سبک و شیوه اجرایی نمایش «پادشاه می‌میرد» خاطر نشان کرد: زمانی‌که زبان ترجمه بر این نمایشنامه قالب شد بنا به فرهنگ ما این اثر تبدیل به تراژدی کمدی شد. این نمایشنامه را به سه بخش تقسیم کردم که بخش نخست بر خوردی تراژیک با واقع‌ه مرگ پادشاه دارد. سعی من بر این بود تا این نمایش را به شیوه تراژدی کمدی با رگه‌هایی از گروتسک اجرا کنم.

فاتحی درباره طراحی صحنه نمایش «پادشاه می‌میرد» عنوان کرد: در طراحی صحنه این نمایش از میان فضای کلاسیک

کارگردان نمایش «پادشاه می‌میرد» گفت: این نمایش را به شیوه تراژدی کمدی با رگه‌هایی از گروتسک اجرایی کنیم. محمد فاتحی در گفت‌وگو با هنرآنلاین درباره انتخاب و اجرای این اثر از یونسکو گفت: پیش از این نمایش «قاتل بی‌مزد» از اوژن یونسکو را به صحنه آوردیم. «برانژه» شخصیتی است که در چهار نمایشنامه؛ «کرگدن»، «عابر هوایی»، «قاتل بی‌مزد» و «پادشاه می‌میرد» یونسکو حضور دارد و این چهار نمایشنامه مکمل یکدیگر هستند و در آن‌ها بخشی از وجود انسان به نمایش گذاشته می‌شود.

او ادامه داد: برانژه در نمایشنامه «پادشاه می‌میرد» شخصیت پادشاه دیکتاتور این اثر است که ساعت پایانی عمر خود را می‌گذراند. دستورات این پادشاه تا روز پیش از مرگش عین به عین اجرا می‌شود، اما در این ساعات

خبر

کمدی – تراژدی از پادشاهی در آستانه زوال

پادشاه می‌میرد